

## مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی<sup>۱</sup>

صادق بختیاری\*

استاد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان  
اصفهان

### چکیده

با توجه به گسترش فقر جهانی و نگرانیهای حاصله و تعیین اهدافی برای توسعه هزاره سوم که عموماً دستیابی به آنها با وجود فقر گسترده غیرممکن بنظر می‌رسد، پیدا کردن راه حلی برای کاهش فقر و بهبود رفاه طبقات و اقشار فقیر به عنوان یک آرمان همگانی درآمده است. این مقاله ضمن بیان ناکارآمدی و عملکرد ضعیف نهادهای مالی دولتی و بازارهای مالی رسمی در جهت کمک مؤثر به گروه‌های فقیر کشورهای در حال توسعه، مالیه خرد و اعتبارات خرد را به عنوان جایگزین مناسب معرفی می‌کند. برخی از تجارب جهانی نیز حاکی از آنست که مالیه خرد می‌تواند با توانمندسازی فقرا، آنها را در خروج از وضعیت فقر و انتخاب مسیر مطلوب کمک نماید. با نگاه کلان به مسئله و بهره‌گیری از تکنیک‌های آماری و اقتصادسنجی و اطلاعات و داده‌های اقتصاد ایران، تحقیق حاضر نشان می‌دهد که اعتبارات خرد می‌تواند نقش مؤثری در جهت رشد تولید و ارزش افزوده بخش کشاورزی و در نتیجه کاهش فقر روستایی داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** اعتبارات خرد، مالیه خرد، بخش غیر رسمی مالی، ساختار دوگانه

طبقه‌بندی JEL: G29, O23

۱- این مقاله بخشی از طرح تحقیقاتی است که با حمایت "صندوق حمایت از پژوهشگران کشور" به انجام رسیده است.

Bakhtiari\_sadegh@yahoo.com

\*- (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۲

## Microfinance an Approach for Increasing Output in the Agricultural Sector and Poverty Reduction in Rural Areas<sup>1</sup>

Sadegh Bakhtiari

Professor of Economics, Islamic Azad University, Khorasgan, Isfahan, Iran

### Abstract

Considering the expansion of global poverty and its resulting concerns, the objectives of the Millennium Development Goals (MDGs) may not be achieved unless a solution is found for this widespread phenomenon. Therefore finding a solution for poverty reduction and improving the welfare of the vulnerable group has become a universal objective. This paper discusses the poor performance of formal financial markets and financial institutions in order to help the poor in developing countries.

The paper argues that microfinance and microcredit are suitable substitutions for helping the poor. Some international experiences suggest that microfinance can empower the vulnerable group, lifting them out of poverty and helping them select a desired path. Applying econometrics and statistical techniques to Iranian data, it has been seen that microcredit and microfinance can play a key role in economic growth and added-value in the agricultural sector. This in turn will result in an overall poverty reduction.

**Keywords:** Financial Markets and Financial Institutions, Microfinance and Microcredit

**JEL:** O23, G29

### مقدمه

مسئله فقر و به ویژه فقر فاحش روستائی از جمله موضوعاتی است که در دو دهه اخیر در سطح بین‌المللی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس گزارش بانک جهانی در آغاز هزاره سوم بیش از یک میلیارد نفر یعنی حدود یک پنجم جمعیت دنیا درآمد کمتر از یک دلار در روز

---

1- The research for this paper was part of a project supported by a grant from the Iranian National Science Foundation (INSF).

و حدود ۳ میلیارد نفر یعنی تقریباً نیمی از جمعیت جهان درآمد کمتر از ۲ دلار در روز داشته<sup>۱</sup> و در فقر بسر می‌بردند. متأسفانه نهادهای مالی دنیای سرمایه‌داری سابقه خوبی در حمایت از طبقات و گروههای فقیر ندارند ولی در میان این اخبار نا امیدکننده، برخی از نهادهای مالی خرد (MFIs) در گوشه و کنار دنیا به‌ویژه بنگلادش، اندونزی، مالزی، مکزیک و بولیوی با کامیابیهایی روبرو بوده‌اند بطوری که برخی اندیشمندان، از این موفقیت‌ها با عنوان انقلاب اعتبارات خرد یاد نموده‌اند.<sup>۲</sup>

مجمع عمومی سازمان ملل در پنجاه و سومین اجلاس خود در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۸ برای نشان دادن اهمیت هر چه بیشتر اعتبارات خرد، سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال اعتبارات خرد نامگذاری تا برنامه‌های اعتبارات خرد در سطح جهان مورد توجه و تأکید بیشتر قرار گیرد. این نامگذاری تحت تأثیر موفقیت‌های چشمگیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه در استفاده مطلوب از سازوکار اعتبارات خرد برای مبارزه با فقر بود.

کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در رابطه با تعیین سال ۲۰۰۵ به عنوان سال اعتبارات خرد اینگونه اظهار نمود که:

"منظور از اعلام سال ۲۰۰۵ به عنوان سال جهانی اعتبارات خرد تأکید بر این مطلب است که تأمین مالی خرد بخشی از تلاش جمعی ما برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره است. تأمین مالی خرد پایدار از طریق ایجاد درآمد، به کاهش فقر، ایجاد اشتغال، سوادآموزی کودکان، دسترسی خانوارها به بهداشت و درمان می‌انجامد، و با توانمندسازی مردم، آنها را برای انتخاب راههای تأمین نیازهایشان آماده می‌سازد. چالش عظیم فراروی ما آنست که تنگناها و مشکلاتی را که بر سر راه مشارکت کامل مردم در بخش‌های مالی وجود دارد برطرف سازیم. ما همه با هم می‌توانیم و باید به ساختن بازارهای مالی جامع و فراگیری پردازیم که مردم را در جهت بهبود وضع زندگیشان یاری دهد."<sup>۳</sup>

1- World Bank (2003), Global Economic Prospects and the Developing Countries 2003, table 1.9, P. 30

2- Microfinance Revolution, see Sengupta, R. and Aubuchan (2008)

3- International Year of Microcredit, 2005, UN Department of Information DP/2357c, October 2004.

دستیابی به اهداف توسعه هزاره سوم (MDG's)<sup>۱</sup> که در سال‌های آخر دهه ۱۹۹۰ به تصویب و تأیید سران اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان رسید با وجود فقر، سازگاری نداشته و در اکثر موارد پیش شرط لازم برای تحقق آن، رفع مشکل فقر می‌باشد.<sup>۲</sup>

محمد یونس بنیانگذار بانک گرامین بنگلادش و برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۰۶ معتقد است که "فقر در جهان پدیده‌ای مصنوعی و ساختگی است. این پدیده متعلق به مدنیت نیست و ما می‌توانیم آن را تغییر دهیم و شرایط را به گونه‌ای متحول کنیم که مردم از فقر خارج شوند. بنا بر این تنها کاری که باید انجام دهیم این است که سازمان‌ها، نهادها، و سیاست‌هایمان را دوباره طراحی کنیم به گونه‌ای که کسی از فقر در رنج نباشد. هیچ کار خاصی نباید انجام داد باید پول به صورت قرض در اختیار مردمی قرار داد که به آن نیاز دارند."<sup>۳</sup> یونس در جواب سؤال دیگری در خصوص عملکرد گرامین بانک پاسخ می‌دهد "ما هیچ کار خاصی انجام نمی‌دهیم. پول را به مردمی قرض می‌دهیم که کسی هرگز به آنها قرض نمی‌داد. تمام کاری که ما انجام دادیم قرض دادن به افراد فقیر بود و این کار معجزه می‌کرد."<sup>۴</sup>

### تعریف اعتبارات خرد و مالیه خرد

اعتبارات خرد را عموماً بر مبنای مؤلفه‌هایی همچون اندازه اعتبار، نحوه استفاده از اعتبار، شرایط و ضوابط اعتبار تعریف می‌کنند.

بر مبنای اندازه و میزان، عموماً اعتبار خرد به اعتباری اطلاق می‌شود که از نظر مبلغ اندک و ناچیز باشد. هر چند در این خصوص توافق نیست، در برخی از موارد به وام‌های کوچک چند دلاری و در مواردی نیز به وام‌های چند هزار دلاری نیز اعتبار خرد اطلاق می‌گردد.<sup>۵</sup>

#### 1- Millennium Development Goals

۲- برای اطلاع بیشتر از این اهداف می‌توان به منبع ذیل مراجعه نمود.

United Nations (2003), Implementation of the first United Nations Decade for the Eradication of Poverty (1997-2006) and draft programme of action for the International Year of Microcredit, 2005, 03-43699(E) 260803

3- [www.nobelprize.org](http://www.nobelprize.org)

4- Interview with Muhammad Yunus ([www.nobelprize.org](http://www.nobelprize.org))

5- European Commission (2003), p. 7.

از نظر نحوه استفاده از اعتبار نیز اعتبار خرد به اعتباری اطلاق می‌شود که یا برای کاهش فقر و یا راه‌اندازی کسب و کار کوچک و عموماً خوداشتغالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر ضوابط و شرایط پرداخت اعتبار نیز اعتبار خرد اعتباری است که قابلیت دستیابی به آن به سادگی امکان‌پذیر است، شرایط آن قابلیت انعطاف داشته و قرارداد آن با سادگی تمام و متناسب با شرایط محلی قابل تنظیم است.

به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که با توجه به معیارهای فوق، اعتبارات خرد از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است و نمی‌توان تنها به یک مؤلفه آن یعنی میزان اعتبار بسنده کرد، مضافاً آنکه مفهوم خرد یک مفهوم نسبی است و الزاماً به معنی مبلغ اندک نیست.

مالیه خرد<sup>۱</sup> فراتر از اعتبارات خرد بوده و شامل وام، پس‌انداز، بیمه، خدمات انتقال وجه و دیگر امتیازات مالی است که به نحوی به گروه‌های پایین درآمدهای ارتباط می‌یابد. در مالیه خرد مسئله پس‌انداز، تأمین مالی، نهادهای تأمین مالی (MFIs) و هم‌چنین نحوه استفاده از منابعی که توسط این نهادها تأمین شده و چگونگی دادن اعتبار به ویژه به اقشار فقیر و آسیب‌پذیر و ایجاد اشتغال برای آنان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب در مالیه خرد، اعتبار مورد نیاز افراد فقیر در اختیار آنها قرار می‌گیرد تا بتوانند فرصتی پیدا کرده و با کار و کسب جزئی، درآمدهای اندکی بدست آورده و امنیت مالی بیشتری برای خود و خانواده خود فراهم سازند.

### دلایل اهمیت مالیه خرد و ضرورت پرداختن به آن در کشورهای در حال توسعه

مطرح شدن و اهمیت یافتن اعتبارات خرد، معلول کمبودها و نقایص نهادهای مالی سنتی به خصوص نهادهای مالی رسمی کشورهای در حال توسعه است. ساختار خاص و ضوابط و مقررات حاکم بر نهادهای مالی رسمی و شرایط ویژه گروه‌های فقیر، عموماً موجب عدم دسترسی آنان به خدمات بازارهای مالی رسمی می‌گردد. از اینرو نیازمندانی که تقاضای وام و اعتبار آنان از طریق بازارهای رسمی تأمین نگردیده است چاره‌ای جز مراجعه به بازارهای غیررسمی ندارند. تأمین مالی در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما دارای مشکلات خاصی است که عموماً به ساختار ناقص بازارهای مالی آن کشورها ارتباط می‌یابد. عمده‌ترین این مشکلات را می‌توان به شرح مذکور در ذیل دسته‌بندی نمود.

1- Microfinance

### وجود بازارهای ناقص و ناکارآمد

توسعه نیافتگی بازارهای مالی از ویژگی‌های اصلی کشورهای در حال توسعه است. به عبارت دیگر ویژگی اساسی ساختار مالی در کشورهای در حال توسعه وجود بازارهای ناقص و ناکارآمد است. در این گونه ساختارها، به علت عدم کارایی بازارهای مالی، نه تنها قشر عظیمی از جامعه قابلیت دسترسی به منابع مالی را نخواهند داشت، بلکه سازوکار تجهیز منابع و پس‌اندازها از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. بدین خاطر فرایند انباشت سرمایه به تأخیر افتاده، بهره‌وری کاهش می‌یابد، زمینه‌های ایجاد فرصت‌های شغلی جدید محدود گشته و هزینه‌های استفاده از منابع مالی به شدت افزایش می‌یابد و در نهایت بعلت ناتوانی بازارهای مالی از تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های مولد، پس‌اندازها هر از چندگاه یکبار به سمت بازار کالاهای خاص مثل طلا، زمین و مسکن هجوم آورده و موجب رشد بادکنکی در آن بخش‌ها می‌گردند.

### عملکرد ضعیف نهادهای مالی دولتی

در کشورهای در حال توسعه نهادهای مالی دولتی نقش مهمی در بازارهای مالی ایفا می‌کنند. این نهادها که دارای عملکرد ضعیفی هستند با استفاده از یارانه‌های دولتی به عرضه خدمات مالی ادامه می‌دهند و همواره در ترازنامه آنها مقادیر قابل ملاحظه‌ای بدهی معوقه ملاحظه می‌شود.

### عدم کارایی در تجهیز پس‌اندازهای خصوصی

یکی دیگر از ویژگی‌های بازارهای مالی کشورهای در حال توسعه، عدم کارایی در تجهیز پس‌اندازهای خصوصی است، زیرا هزینه‌های فرصت نگهداری پول به دلیل شرایط تورمی بسیار بالا است و بدین جهت جریان پس‌اندازها به سوی اشکال دیگر دارایی‌ها به حرکت در می‌آید. نظارت بر نهادهای مالی در کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف دارای ضعف‌ها و مشکلات فراوان است که همین امر از جمله عوامل ناکارآمدی و مانعی اساسی برای توسعه بازارهای مالی به حساب می‌آید.

### ساختار دوگانه بازارهای مالی

بسیاری از صاحب‌نظران، مشخصه اصلی سیستم مالی اکثر کشورهای در حال توسعه را حضور و عملکرد ۲ بخش مالی در کنار یکدیگر ذکر می‌کنند. به عبارت دیگر، در این کشورها، بخش

رسمی و بخش غیررسمی همزیستی مسالمت آمیزی دارند، بنا بر این لازم است ضمن معرفی این دو بخش به بررسی و تفحص در پیدایش آنها به پردازیم که چگونه به وجود آمده‌اند؟ چه خدماتی ارائه می‌دهند و نارسائی‌ها و عدم کارآئی آنها در کجاست؟

بخش رسمی مالی<sup>۱</sup> شامل بانک مرکزی، بانک‌های تجاری، بانکهای تخصصی، سازمانهای تأمین اجتماعی و مؤسسات بیمه می‌شود که عموماً در مناطق شهری و در جهت ارائه خدمات پولی به بخش مدرن فعال‌اند.

از طرف دیگر بخش غیررسمی مالی<sup>۲</sup> شامل نزول‌خواران، منسوبین، دوستان، همسایگان مالکین، بازرگانان، قرض‌الحسنه‌های خانوادگی، انجمن‌های اعتبار و پس‌انداز چرخشی<sup>۳</sup>، گروههای کارگشائی، کلوب‌های پس‌انداز و از این قبیل هستند که بیشتر در قالب‌های عرفی و سنتی و در مناطق روستایی به فعالیت اشتغال دارند. مشخصه بارز این بخش انعطاف‌پذیری فراوان و سادگی و سهولت داد و ستد در آنهاست که بیشتر متکی به روابط شخصی است.

برای توجیه خدمات مالی دوگانه در کشورهای در حال توسعه، دو دیدگاه کلی وجود دارد. (Gemidis et al., 1991) بر اساس یک دیدگاه، وجود خدمات مالی غیررسمی بازتاب نارسائی‌هایی است که در بخش خدمات مالی رسمی وجود دارد. از جمله شرایط سخت استفاده از تسهیلات این بخش، کنترل‌های مختلفی که از طریق بانک مرکزی اعمال می‌شود از قبیل کنترل نرخ بهره، کنترل نرخ ارز و از این قبیل. طرفداران این استدلال معتقدند که این دخالت‌ها علت اصلی ایجاد و ابقای بخش مالی غیررسمی است و توصیه آنان اینست که دولت باید در جهت حذف و یا حداقل تخفیف این گونه مداخلات تلاش نماید تا بلکه از قدرت بخش مالی غیررسمی کاسته و دست واسطه‌ها و نزول‌خواران کوتاه گردد.

استدلال طرفداران نظریه دوم این است که دوگانگی خدمات مالی در کشورهای در حال توسعه بیشتر بخاطر شرایط و خصوصیات ذاتی دوگانه ساختار اجتماعی و اقتصادی این کشورها است که وابسته به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی هستند (Christensen, 1993) و (Krahen and Schmidt, 1994). بر اساس استدلال مذکور، این دوگانگی هم در ساختار

1- Formal Financial Sector

2- Informal Financial Sector

3- Rotating Saving and Credit Associations

اقتصادی و هم بافت اجتماعی این کشورها کاملاً مشهود است. و در واقع بر اساس این دیدگاه، دوگانگی بخش خدمات مالی نتیجه آن است و نه علت آن. این دسته معتقد هستند که حتی بعد از آزادی تام و تمام خدمات مالی، باز هم بخش غیررسمی باقی خواهد ماند. از این جهت خواهان اعمال مقررات و سخت‌گیریهای بیشتری از طرف دولت بر بخش خدمات مالی رسمی و غیررسمی هستند تا بدینوسیله اعتبارات بیشتری برای کمک به طبقات فقیر فراهم گردد.

### ساختار ناقص اطلاعات در جوامع روستایی و فقیر

یکی از خصوصیات مشترک جوامع روستائی آنست که بیشتر اطلاعات محلی آزادانه در دسترس عموم قرار نمی‌گیرد و اغلب بسته و گریخته آنهم از طریق افراد و شبکه‌های محدود و خاصی رد و بدل می‌شوند. (Robinson, 2001).

معمولاً بازار مالی غیررسمی بر پایه اقتصاد محلی پی‌ریزی شده و محدود به دارائی‌های محلی و تابع ریسک جویی‌های محلی و ناحیه‌ای است. ضعف ارتباطات و نارسائی در انتقال اطلاعات و وجود بازارهای ناقص به صاحبان اعتبار و وام دهندگان این فرصت و امکان را می‌دهد تا نرخ بهره را که در بازار غیر رسمی بالا است همچنان حفظ کنند. (Aleem, 1993)

هر وام‌دهنده دامنه اطلاعات و نفوذش منحصر به ناحیه خاص خود است و در عین حال این ناحیه را با ایجاد شرایطی که وام‌گیرندگان نتوانند از منابع و یا افراد دیگر وام بگیرند در انحصار خود نگه می‌دارد. علاوه بر آن از آنجا که این اعتبارات صرفاً از دارائی شخصی افراد و بخش غیررسمی تأمین می‌گردد لذا مقدار آن محدود بوده و کشش زیادی ندارد. از این رو می‌بینیم که بازار مالی غیررسمی کوچک بوده، بطور کوتاه مدت و در فضای محدود عمل می‌کند (Christensen, 1993).

### هزینه مبادله بالا و عدم وجود وثایق معتبر

اولین مشکلی که طبقات فقیر در هنگام تقاضای وام و اعتبار از مؤسسات تأمین مالی رسمی با آن مواجه می‌شوند داشتن وثیقه یا ضامن معتبر است. علاوه بر آن درخواست وام همواره به میزان قابل ملاحظه‌ای کاغذبازی و بوروکراسی به همراه دارد که موجب تحمیل هزینه‌های سنگین مبادله بر دوش طبقه فقیر می‌گردد. مؤسسات دولتی نیز انگیزه‌ای برای دادن وام و اعتبار به آنان ندارند و معمولاً مؤسسات تأمین مالی دولتی فعالیت و ارائه خدمات اعتباری در شهرها را بر فعالیت در

مناطق محروم و معاملات بزرگ را بر معاملات کوچک ترجیح می‌دهند. البته ارجحیت در سرمایه‌گذاری و دادن وام و اعتبار در سایر بخش‌ها بیش از بخش کشاورزی است. فقط ۵ درصد کشاورزان در افریقا و ۱۵ درصد آنان در آسیا و امریکای لاتین دسترسی به منابع مالی رسمی دارند و بقیه ناگزیر از مراجعه به بخش غیررسمی هستند. بطور میانگین ۵ درصد از وام‌گیرندگان، ۸۰ درصد این اعتبارات را در کشورهای در حال توسعه به خود اختصاص می‌دهند (Braverman and Gasch, 1993). مؤسسات مالی بخش رسمی به دلایل زیر انگیزه‌ای برای دادن وام و اعتبار به گروههای فقیر جوامع روستایی ندارند، زیرا:

- ۱- کشاورزان مناطق توسعه‌نیافته و محروم روستائی اغلب از نظر جغرافیائی در جوامع پراکنده و دور از هم زندگی می‌کنند و این امر موجب دشواری مدیریت وام و اعتبار به آنها می‌گردد
  - ۲- محصولات کشاورزی وابستگی کامل به شرایط جوی داشته و وقوع حوادثی از قبیل خشکسالی و سیل بازتاب وسیعی بر درآمدهای محلی آنان داشته و به عبارت دیگر موفقیت فعالیت آنان را با ریسک‌های زیادی مواجه می‌سازد.
  - ۳- نبود اطلاعات استاندارد و ابزارهای استاندارد اعتباری از قبیل صورتحسابهای مالی و یا تاریخچه و سابقه اعتباری وام‌گیرندگان یکی دیگر از مشکلات دادن اعتبار به این افراد است.
  - ۴- امکان بازپرداخت وام‌ها معمولاً سالی یکبار و آن هم به نگام برداشت محصول اتفاق می‌افتد. با توجه به نارسائی‌های دو بخش تأمین مالی یعنی بخش رسمی و بخش غیررسمی کشورهای در حال توسعه و عدم توانائی آنها در تأمین نیاز اعتباری اقشار فقیر، موضوع تأمین مالی خرد و اعتبارات خرد اهمیت بیشتری یافته است.
- البته برخی نیز بر این باورند که تأمین مالی خرد می‌تواند نارسائی‌های موجود در نهادهای مالی بخش رسمی و غیررسمی را کاهش داده و به شکل یک شریک اعتباری مهم در کشورهای در حال توسعه ایفاء نقش نماید.

### مروری بر مطالعات مرتبط با تأثیر مالبه خرد بر کاهش فقر و ایجاد اشتغال

مطالعات متعددی در کشورهای مختلف به بررسی ابعاد تأثیرگذاری اعتبارات خرد بر کاهش فقر و ایجاد اشتغال پرداخته‌اند. در این قسمت به نتایج برخی از این مطالعات اشاره می‌گردد.

کارتز (۱۹۸۹)<sup>۱</sup> در چارچوب یک مدل رگرسیونی، اثر اعتبارات را بر روی مزایای تولید مواد غذایی در نیکاراگوئه مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از این مطالعه، این فرضیه را که اعتبارات دارای تأثیر مثبت بر تولید هستند تأیید نموده است.

نتایج مطالعه حسین (۱۹۸۸)<sup>۲</sup>، در مورد اعطای اعتبارات بانک گرامین به زنان در روستاهای بنگلادش، نشان داد که درآمد خانواده‌های وام‌گیرنده از بانک گرامین در حدود ۴۳ درصد بالاتر از غیر وام‌گیرندگان در روستاهای شاهد و ۲۸ درصد بالاتر از غیر وام‌گیرندگان در روستاهایی که تحت پوشش بانک گرامین هستند بوده است. مشارکت در برنامه‌های اعتباردهی تعداد قابل ملاحظه‌ای از وام‌گیرندگان را قادر ساخت تا خود را از خط فقر بالا بکشند و ۹۱ درصد از وام‌گیرندگان این احساس را داشته‌اند که اعتبار دریافتی تأثیر مثبتی بر استاندارد زندگی‌شان گذاشته است.

هولم و موسلی (۱۹۹۶)<sup>۳</sup> به ارزیابی آثار وام‌های خرد بر اشتغال و افزایش درآمد پرداخته‌اند. آنها در این مطالعه نشان داده‌اند وام‌هایی که توسط بانک همبستگی در بولیوی داده شده است اثر مثبتی بر افزایش درآمد و اشتغال‌زایی داشته است.

الی (۲۰۰۲)<sup>۴</sup> در گزارش سازمان بین‌المللی کار اعلام می‌کند که در کشورهای در حال توسعه، جمعیت هدف نهادهای مالی خرد افراد فقیری هستند که در زیر خط فقر قرار دارند. وام‌های خردی که به این افراد ارائه می‌شود برای تثبیت وضعیت درآمدی آنها است و نباید انتظار چندانی برای تأثیر بر اشتغال داشت. اگر هدف از ارائه خدمات مالی ایجاد اشتغال پایدار باشد لازم است نهادهای مالی خدمات خود را در مقیاس بزرگتر و برای کسب و کارهای مشخص ارائه دهند. با این وجود در مطالعه حاضر شواهدی از کشور پرو و اوگاندا آورده شده است که نشان‌دهنده اثر مثبت اعتبار خرد بر اشتغال بوده است.

رید و بفوس (۱۹۹۴) در مقاله "وام‌دهی انتقالی: کمک به بنگاه‌های خرد به منظور ارتقاء به یک بنگاه کوچک"<sup>۵</sup> معتقد است که بنگاه‌های خرد امکان استفاده از وام‌های بانکی و اعتبارات بخش

1- Carter, M.R. (1989). PP: 13-63

2- Hosaen (1988), pp: 7-12

3- Hulme and Mosley (1996)

4- Ellis, Frank(2002)

5- Transformation Lending: Helping Microenterprise Become Small Business

رسمی را ندارند ولی نهادهای تأمین مالی خرد می‌توانند از طریق کمک به تأمین مالی سرمایه در گردش آنها و حتی کمک به خرید برخی از دارایی‌های ثابت به همراه آرایه آموزش‌های مناسب، نه تنها دارایی آنها را افزایش داده بلکه با ارتقاء بهره‌وری و تعداد نیروی کار شاغل آنان وضعیت آنها را به یک بنگاه کوچک ارتقاء بخشند. با این ارتقاء وضعیت، امکان استفاده از وام‌ها و اعتبارات بخش رسمی برای آنها فراهم می‌شود. نویسندگان مقاله نمونه‌هایی از نهادهای تأمین مالی خرد موفق در این رابطه از آسیا، آفریقا و امریکای لاتین ارائه می‌دهند. همچنین به مطالعه دیگری اشاره می‌کنند که مشترکاً برای کشور هندوراس انجام داده و بر اساس آن، برنامه‌های اعتبار خردی که وام‌دهی را با آموزش ترکیب کرده‌اند اثر مثبتی در ایجاد اشتغال داشته است به طوری که در ازای هر ۳۶۶ دلاری که در کشور مزبور وام داده شده است یک شغل ایجاد گردیده است.

محمی‌الدین و رایت (۲۰۰۰) با کمک مدل اقتصادسنجی به بررسی بازار اعتبارات رسمی و غیررسمی در مصر پرداخته‌اند. محققین از یک نمونه ۲۰۰ خانواری از ۴ روستا در مصر استفاده نموده و تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی و فردی زارع مانند شغل اصلی، وجود شغل فرعی، دارایی‌های مالی، مذهب، اندازه خانوار، سواد و غیره بر دستیابی به اعتبار و تمایل به دریافت وام از منابع رسمی و غیررسمی را بررسی نموده‌اند.

خاند کر و همکاران (۱۹۹۸) به اندازه‌گیری آثار مختلف سه برنامه اعتبار خرد (گرامین، BRAC و RD-12) روی اعضا و نیز آثار آن بر اقتصاد محلی پرداخته‌اند. براساس نتایج بدست آمده، تأمین مالی خرد، فقر را از طریق افزایش مصرف سرانه در میان شرکت‌کنندگان در برنامه و خانواده‌هایشان کاهش داده است. برنامه‌های اعتبار خرد علاوه بر این که، به یکنواخت کردن مصرف و نیز فصلی کردن عرضه کار کمک نموده، وضعیت تغذیه‌ای بچه‌ها را بهبود بخشیده و اثر مثبت و معنی‌داری بر رفتن به مدرسه به‌ویژه برای پسران داشته است.

جانسون و روگالی (۱۳۸۳)، عنوان می‌کنند که اگر فقر را به عنوان سطوح پایین درآمد سالانه هر خانوار بشناسیم، کاهش فقر به معنای افزایش متوسط سطوح درآمد خانوار است. برنامه‌های تأمین مالی خرد آسیب‌پذیری گروه‌های پایین درآمدی را کاهش داده و از معیشت آنان حمایت می‌نماید. هم‌چنین موجب تقلیل آثار ناشی از مرگ‌های غیر منتظره از قبیل کاهش محصول، بیماری، و دیگر سوانح طبیعی می‌گردد، و در نتیجه بر کاهش فقر مؤثر است. بنظر آنان در حالی که مشکلاتی در رابطه با روش اندازه‌گیری افزایش درآمدی که از طریق اعطای اعتبار فراهم شده،

وجود دارد" مطالعات نشان داده‌اند که در دسترس بودن اعتبار برای واحدهای اقتصادی کوچک می‌تواند اثرات مثبت داشته باشد<sup>۱</sup> نتایج مطالعات مورد اشاره آنان نشان می‌دهد که اعطای اعتبارات خرد می‌تواند منجر به افزایش درآمد خانوارها گردیده و به افراد فقیر ابزارهایی برای حمایت از امرار معاششان در مقابل شوکها بدهد.

سنگوپتا و اوبوجون (۲۰۰۸)<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان "انقلاب اعتبارات خرد" نمونه‌های موفق از نهادهای مالی در سرتاسر جهان را ارائه می‌دهند که در زمینه مبارزه با فقر موفق بوده‌اند. البته به اعتقاد آنان از اعتبارات خرد و مالیه خرد نباید و نمی‌توان انتظار زیادی داشت و آنرا حلال تمام مشکلات کشورهای در حال توسعه دانست. این مطالعه نشان می‌دهد که برنامه اعتبارات خرد و وام‌دهی گروهی با ضمانت مشترک، مثلاً در امریکا موفق نبوده است زیرا تشکیل گروههای ذینفع در جوامع صنعتی و شهری مشکل و دامنه اطلاعات آنها از همدیگر محدود است در حالی که در جوامع روستایی کشورهای در حال توسعه اینگونه نیست.

در داخل کشور، نجفی (۱۳۸۲) به مطالعه تجربه‌های جهانی در زمینه تأمین مالی خرد و امکان توسعه آن در ایران پرداخته است. همچنین در این مطالعه عملکرد بانک کشاورزی در حذف وثیقه و جایگزینی آن با ضمانت و نیز پرداخت تسهیلات به زنان سرپرست خانوار در چارچوب طرح ایران مورد بررسی قرار گرفته است. عرب مازار و فرزین معتمد (۱۳۸۲)<sup>۳</sup> به بررسی نقش بانک کشاورزی در توانمندسازی روستائیان با بهره‌گیری از رویکرد اعتبارات خرد پرداخته‌اند. در این مطالعه به منظور بررسی تجربه ایران در این نوع تأمین مالی، تلاش شده است عملکرد بانک در مجموعه اعتبارات خرد، با معیارهای موسسه‌های اعتباری خرد (MFI) در دیگر کشورها مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان داده است که با توجه به وضعیت موجود، نیازی به ایجاد سازماندهی مشخصی در سطح ملی به منظور انجام فعالیت در زمینه تأمین مالی خرد نیست. افتخاری و عینالی (۱۳۸۴)<sup>۴</sup> به ارزیابی نقش اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه روستاهای شهرستان خداآبنده پرداختند. توجه این تحقیق بر نقش اعتبارات خرد بانک در رابطه با طرحهای

۱ - جانسون و روگالی (۱۳۸۳)، ص ۱۷

2- Sengupta, Raajdeep and Craig P. Aubuchon (2008)

۳ - عرب مازار، عباس و ارغوان فرزین معتمد (۱۳۸۲)، ص ۷۳

۴ - افتخاری، عبدالرضا و عینالی، جمشید، (۱۳۸۴)، ص ۱۷۹

تأمین آب بویژه طرحهای چاههای عمیق بوده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق نشان داد که اعتبارات روستایی این بانک توانسته است در توسعه اقتصادی روستاییان به عنوان یکی از ابعاد اصلی توسعه روستایی، نقش مهمی را ایفا کند. آنچه از بررسی مطالعات و تجارب گذشته بر می آید حاکی از آن است که این مطالعات عموماً به نقش اعتبارات خرد در کاهش فقر و افزایش دسترسی کشاورزان فقیر به منابع مالی پرداخته اند، در حالی که یک وجه مهم اعتبارات خرد، اثرات مستقیم یا غیرمستقیم آن بر ارزش افزوده بخش کشاورزی می باشد. علاوه بر این، در حالی که اثرات کوتاه مدت این اعتبارات تا حدودی از طریق مطالعات مختلف تایید گردیده است، هنوز اثرات بلندمدت آن مورد تأیید قرار نگرفته است. لذا این مطالعه در پی بررسی آثار بلندمدت این اعتبارات در رشد ارزش افزوده در این بخش است.

### تأثیر اعتبارات خرد بر تولید و ارزش افزوده بخش کشاورزی

در این قسمت هدف آنست که تأثیر اعتبارات خرد بر ارزش افزوده بخش کشاورزی مورد مطالعه قرار گیرد. چرا که اگر اعتبارات خرد موجب افزایش تولید کشاورزی گردد می تواند عاملی در جهت ارتقاء بخش کشاورزی و در نتیجه بهبود رفاه جامعه روستایی باشد. به منظور بررسی ارتباط بلندمدت اعتبارات خرد و ارزش افزوده بخش کشاورزی از آمار و اطلاعات دوره زمانی مربوط به سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۴ استفاده شده است. در این تحقیق از متغیرهای حجم اعتبارات اعطایی خرد به بخش کشاورزی، حجم سرمایه گذاری خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی، اشتغال بخش کشاورزی و ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ استفاده شده است. اطلاعات مربوط به اعتبارات خرد در بردارنده اعتبارات تبصره ای مرتبط با بخش کشاورزی که توسط بانک کشاورزی در قالب تبصره های ۳، ۴ و ۲۸ قانون بودجه اعطا می شود، به همراه طرحهای اعتباری خرد بانک، و نیز اعتبارات تولیدی کمیته امداد امام خمینی و شرکتهای تعاونی روستایی به بخش کشاورزی می باشد که از گزارشات عملکرد سالیانه بانک کشاورزی، سالنامه های آماری کمیته امداد امام خمینی و اطلاعات مرکز آمار ایران و بانک مرکزی استخراج شده اند. داده های مزبور در برگیرنده بخش عمده ای از کل تسهیلات اعطایی خرد به بخش کشاورزی می باشد.

## تشریح مدل

الگوی مناسب برای بررسی رابطه اعتبارات خرد و ارزش افزوده در بخش کشاورزی به صورت معادله لگاریتمی زیر پیشنهاد می شود:

$$LVAD = f(LGIN, LPIN, LN, LMC)$$

که در آن:  $LVAD$  لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی،  $LGIN$  لگاریتم سرمایه گذاری بخش دولتی در کشاورزی،  $LPIN$  لگاریتم سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی،  $LN$  لگاریتم اشتغال در کشاورزی و  $LMC$  حجم اعتبارات خرد اعطاشده به بخش کشاورزی می باشد. در این تحقیق برای برآورد ضرایب الگو از روش هم جمعی<sup>۱</sup> استفاده شده است. در برآورد الگوهای اقتصادسنجی این فرض وجود دارد که داده های سری زمانی پایا هستند. که به معنی ثابت بودن واریانس و کوواریانس متغیرها در طول زمان است. در صورت عدم برقراری این شرایط، استفاده از روشهای متداول اقتصادسنجی به برآورد بیش از حد ضریب تعیین و بی اعتباری آزمونهای F و t منجر خواهد شد. بنابراین در این مطالعه ابتدا ایستا و غیرایستا بودن و همچنین درجه هم انباشتگی متغیرهای مورد مطالعه با استفاده از آزمون ریشه واحد و آماره دیکی فولر افزوده (ADF)<sup>۲</sup> مورد بررسی قرار گرفته، سپس برای بررسی روابط هم انباشتگی و ارتباط درازمدت بین متغیرهای مورد مطالعه، از روش هم انباشتگی یوهانسن استفاده شده است. برای آزمون ایستایی سری های مورد مطالعه از آماره آزمون دیکی فولر افزوده استفاده شده است که آماره آن برای یک سری زمانی مثل  $Y_t$  از رابطه زیر بدست می آید:

$$\Delta Y_t = \gamma_0 + \gamma_1 Y_{t-1} + \sum_{j=1}^p \delta_j Y_{t-j} + w_t \quad (1)$$

که در آن،  $w_t$  جمله پسماند است. در این رابطه، معیار آکاییک برای تعیین تعداد وقفه بهینه مورد استفاده قرار می گیرد. اگر قدر مطلق آماره t دیکی فولر افزوده، بیشتر از مقدار بحرانی جدول مک کینون باشد، فرضیه  $H_0$  (وجود ریشه واحد یا غیر ساکن بودن) رد خواهد شد؛ یعنی  $Y_t$  یک متغیر ساکن است. در صورت قبول فرض فوق، آنگاه این آزمون را باید برای تفاضل اول  $Y_t$  انجام داد. در این حالت، اگر قدر مطلق آماره t دیکی فولر افزوده بیشتر از مقدار بحرانی جدول

1- Cointegration

2- Augmented Dicky Fuller (ADF)

مک کینون باشد، با رد شدن فرضیه  $H_0$  نتیجه می‌گیریم که  $Y_t$  با تفاضل مرتبه اول ساکن می‌شود.

روش هم‌انباشتگی یوهانسن، یک تکنیک عمده جهت بررسی همگرایی بین متغیرها می‌باشد و نسبت به روش‌های دیگر از جمله روش انگل گرنجر مزایای بیشتری دارد<sup>۱</sup>. از مزایای این روش، عدم استفاده از تفاضل‌گیری در پایا کردن متغیرهاست، زیرا تفاضل‌گیری باعث از دست رفتن خواص تعادلی دراز مدت بین متغیرها می‌شود. این روش با محاسبه جزء تصحیح خطا<sup>۲</sup> و لحاظ آن در معادلاتی که به صورت تفاضلی ارائه می‌شوند، موجب می‌گردد تا خواص تعادلی درازمدت همچنان حفظ شود. این روش براساس یک مدل اتورگرسیو برداری (VAR) بصورت زیر است:

$$Z_t = \sum_{i=1}^k A_i Z_{t-i} + \varepsilon_t \quad (2)$$

که در آن  $\varepsilon_t$  بردار ستونی جملات اخلال و  $Z_t$  بردار متغیرها است. با افزودن جملات  $Z_{t-1}, Z_{t-2}, \dots, Z_{t-k}$  و  $A_1 Z_{t-2}, A_2 Z_{t-3}, \dots, A_{k-1} Z_{t-k}$  به دو طرف معادله فوق، رابطه زیر بدست می‌آید:

$$\Delta Z_t = \sum_{i=1}^{k-1} \delta_i \Delta Z_{t-i} + \pi Z_{t-k} + \varepsilon_t \quad (3)$$

که در آن  $\pi_{n \times n} = -(I_{n \times n} - A_1 - A_2 - \dots - A_k)$  و  $I$  یک ماتریس مربع  $n \times n$  واحد است. در این روش با استفاده از رتبه ماتریس  $\pi$  راجع به تعداد بردارهای هم‌انباشتگی در بین متغیرها قضاوت می‌شود. اگر رتبه ماتریس  $\pi$  برابر با تعداد متغیرهای مدل خودرگرسیونی برداری (VAR) باشد در این صورت تمام متغیرها هم‌انباشته هستند. اگر رتبه این ماتریس برابر با صفر باشد ماتریس مذکور یک ماتریس خنثی است و در این صورت هیچ‌گونه ارتباط درازمدت بین متغیرهای مورد نظر در بردار  $Z_t$  وجود ندارد. اگر رتبه این ماتریس، کمتر از  $n$  (تعداد متغیرهای مدل) باشد، ماتریس  $\pi$  بصورت زیر خواهد بود:

$$\pi = \alpha \cdot \beta \quad (4)$$

ماتریس  $\beta$  هم‌انباشتگی است که ستونهای آن در صورت نرمال‌شدن، روابط دراز مدت بین متغیرها را نشان می‌دهد. عناصر بردار  $\alpha$  نشان دهنده سرعت تعدیل در رابطه درازمدت

1- Holeden & Perman, 1994

2- Error Correction

است. بنابراین مهمترین مرحله در این روش، یافتن بردار  $\alpha$  و ماتریس  $\beta$  است. برای تعیین تعداد وقفه بهینه در برآورد معادلات مربوط به همگرایی و سایر معادلات ذکر شده از معیار اطلاعاتی آکاییک و بیزن و شوارتز استفاده می شود<sup>۱</sup>.

پس از بیان و تشریح مدل‌های مورد استفاده در بخش قبل، در این قسمت به بیان یافته‌های حاصل از این مطالعه می پردازیم. در ابتدا نتایج آزمون ایستایی و هم‌انباشتگی ارایه می شود. سپس با برآورد معادله مربوطه، به بررسی اثر متغیر اعتبارات خرد بر ارزش افزوده بخش کشاورزی خواهیم پرداخت.

بررسی ایستایی سریهای زمانی با استفاده از نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر<sup>۲</sup> و دیکی فولر افزوده، نشان می دهد که تمامی متغیرها (ارزش افزوده کشاورزی، سرمایه گذاری بخش دولتی، سرمایه گذاری بخش خصوصی، اشتغال، اعتبارات خرد) با یک بار تفاضل گیری، مانا هستند. تحلیل‌های هم‌انباشتگی مبتنی بر رویکرد یوهانسون مستلزم تعیین طول وقفه بهینه در دستگاه خودرگرسیون برداری است. که در این زمینه پسران و شن (۱۹۹۵) معیار اطلاعاتی شوارتز را پیشنهاد می کنند. در این تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews وقفه بهینه با توجه به معیارهای اطلاعاتی شوارتز انتخاب شد و با بهره گیری از آن در طول دوره مورد بررسی نتیجه آزمون براساس آماره‌های آزمون اثر و حداکثر مقادیر ویژه با توجه به آماره‌های مذکور، در سطح احتمال ۹۵ درصد، فرض وجود یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای  $LVAD, LPIN, LN, LMC$ ،  $LGIN$  مورد تأیید قرار گرفت و بر این اساس رابطه تعادلی بلندمدت بدست آمده بصورت زیر تعیین می شود:

$$LVAD = 0/82 * LPIN + 1/46 * LGIN - 0/95 * LN + 0/4 * LMC + e$$

این رابطه، نشان می دهد که تمامی متغیرها به جز اشتغال، اثر مثبت بر ارزش افزوده بخش کشاورزی دارند. با توجه به این نتایج می توان گفت که در بلندمدت در طی دوره مورد بررسی، با فرض ثبات سایر شرایط، افزایش یک درصد در حجم سرمایه گذاریهای خصوصی و دولتی، تولید به طور متوسط به میزان ۰/۸۲ و ۱/۴۶ درصد افزایش خواهد داشت.

1- Johansen, 1991. p:151-180

2- Dicky Fuller (DF)

همچنین نتایج بدست آمده در رابطه با متغیر اشتغال نیروی کار در بخش کشاورزی که ارتباط آن با رشد بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گرفت نشان می‌دهد که هر یک درصد افزایش در رشد اشتغال بخش کشاورزی موجب کاهش 0/95 درصدی ارزش افزوده خواهد شد. به عبارت دیگر، رشد اشتغال در بخش کشاورزی در درازمدت اثر منفی بر رشد بخش دارد. علت این امر را در درازمدت می‌توان پیشرفت فناوری و جایگزین کردن آن با به جای کارگر و کاهش هزینه تولید ذکر کرد. همچنین با یک درصد افزایش در ارزش اعتبارات خرد اعطایی به بخش کشاورزی، ارزش افزوده را 0/47 درصد افزایش خواهد یافت. تأثیر بلندمدت مثبت اعطای اعتبارات خرد بر افزایش ارزش افزوده نشان می‌دهد که اعطای این گونه اعتبارات به تولیدکنندگان کشاورزی این امکان را می‌دهد که نقدینگی و یا سرمایه در گردش و یا نهاده‌های کشاورزی مورد نیاز خود را تأمین کنند. از این رو، به نظر می‌رسد که استفاده از این شیوه تأمین مالی در بخش کشاورزی بتواند در افزایش تولید و رشد بخش کشاورزی موثر باشد

پس از تعیین روابط هم‌گرایی بین متغیرهای مورد بحث، با استفاده از روابط هم‌جمعی بدست آمده بین متغیرها، برای تبیین رفتار کوتاه مدت متغیرهای مورد نظر از مدل تصحیح خطای برداری استفاده شده است. معادله تصحیح خطای برداری برای رابطه ارزش افزوده بخش کشاورزی به صورت زیر است:

$$\Delta LVAD = 0/78 + 0/47 * \Delta LPIN + 0/569 * \Delta LGIN - 0/12 * \Delta LN + 0/125 * \Delta LMC - 0/19 * ECM (-1)$$

در این معادله، عبارت  $ECM(-1)$  در حقیقت جمله پسماند رابطه همگرایی با یک وقفه زمانی است. همانگونه که ملاحظه می‌شود، ارزش افزوده بخش کشاورزی نسبت به نبود تعادل در ارزش افزوده تعدیل می‌گردد و سرعت تعدیل مربوط به بردار همگرایی، برابر ۱۹ درصد است. یعنی در هر دوره ۱۹ درصد از نبود تعادل ارزش افزوده کاسته شده و به سوی تعادل بلندمدت خود حرکت می‌کند. در این قسمت نیز علامت متغیرها مورد انتظار بوده و می‌توان گفت که با یک درصد تغییر اعتبارات خرد در کوتاه مدت به طور متوسط به میزان 0/125 درصد بر ارزش افزوده بخش اضافه خواهد شد. که این امر نیز حاکی از اهمیت اعتبارات خرد در بخش کشاورزی است.

### جمع بندی

با توجه به اهمیت یافتن مبارزه با فقر در سطح جهانی و موفقیت بانک گرامین در بنگلادش و برخی دیگر از نهادهای تأمین مالی خرد در کشورهای در حال توسعه، موضوع اعتبارات خرد و نقش آن در افزایش تولیدات بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی برجسته تر شده است.

در این مقاله پس از تعریف اعتبارات خرد و مالیه خرد، عملکرد ضعیف نهادهای مالی دولتی، عدم کارایی در تجهیز پس اندازهای خصوصی، ساختارهای دوگانه بازارهای مالی و مشکلات فقرا در دسترسی به بازارهای محلی را از جمله دلایل ضرورت پرداختن به مقوله مالیه خرد در کشورهای در حال توسعه مطرح نموده است. در خصوص تأثیر مالیه خرد در افزایش تولید، ایجاد اشتغال و کاهش فقر، مطالعات مختلف از کشورهای متفاوتی را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

به منظور بررسی ارتباط بلندمدت اعتبارات خرد و ارزش افزوده بخش کشاورزی در کشور با استفاده از تکنیک‌های آماری و اقتصادسنجی نشان داده شد که گرچه تسهیلات اعطایی خرد تنها بخشی از اعتبارات اعطایی به بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهد ولی نتایج این مطالعه حاکی از اثربخش بودن این تسهیلات در رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی بوده است.

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به اهمیت مالیه خرد در افزایش تولید و بهبود رفاه کشاورزان، جهت‌گیری سیاستهای کلی در زمینه اعتبارات خرد باید به گونه‌ای باشد که اولاً با استفاده از تجارب نهادهای خرد مالی موفق دنیا به فکر ایجاد ساختار بومی مناسب و حتی الامکان بدون وابستگی به بودجه و یارانه‌های دولتی بود. ثانياً امکان استفاده هر چه بیشتر و سهلتر از این نوع اعتبارات را برای بهره برداران کوچک این بخش فراهم نمود. ثالثاً بدنبال راه‌حلی بود که ضمن کاهش موانع دستیابی اقشار فقیر و کم درآمد به این قبیل اعتبارات، ثبات و پایداری نهادهای تأمین کننده این اعتبارات را نیز تأمین نماید

#### REFERENCES:

- 1- Agricultural Bank of Iran, (different Years) *Annual Economic Reports* (in persian)
- 2- Aleem, I (1993), "Imperfect Information, Screening and the costs of Informal
- 3- Lend Agricultural Bank of Iran, (different Years) *Annual Economic Report* (in persian)
- 4- Arab Mazar A. Khodarahmi R. (2001), Main Characteristics of Rural Financial
- 5- Market, *Agricultural Economics and Development*, Vol. 7, No.26 pp. 26-43 (in persian)
- 6- Arabmazar, A. Farzinmoatamed A. (2001), the Role of Agricultural Bank in
- 7- Empowerment of Rural Dwellers by Microcredit Approach, *Bank and Agriculture*, Vol 2. No. 1 pp 73-113 (in Persian)
- 8- Bakhtiari S. (2005) Concepts, definitions and History of Microcredit by Looking at the Agricultural Bank of Iran Performance, paper presented at the

- international conference on Microcredit, Rural Development and poverty alleviation, Tehran, Iran (in Persian)
- 9- Bouman, F.J.A, "Small, short and unsecured": *Informal Rural Finance in India*, Oxford University, June 1997.
  - 10- Braverman, A. and J. Guasch (1986), "Rural Credit Markets and Institutions in Developing Countries: Lessons for Policy Analysis from Practice and Modern Theory, in *World Development*, 14 (10/11) pp 1253-1267
  - 11- Carter, M. R. (1989). The Impact of Credit on Peasant Productivity and Differentiation in Nicaragua. *Journal of Development Economics*, 31(1): 13-36
  - 12- Central Bank of IRI(2007) *Regulations for establishment and control of the*
  - 13- *Qarzolhasana Bank*, (in Persian)
  - 14- Central Bank of IRI (different Years) *Economic Report and Balance sheet*
  - 15- (in Persian)
  - 16- Chabokrou, Gh., Mokhtari D. and A. Abdshahi (2003), Analysis of the Microcredit Impact on Iran's Agricultural Sector Value Added, in Proceedings of the Conference on Microcredit, Rural Development and Poverty Alleviation, Tehran, Iran. (in Persian)
  - 17- Charistensen, G. (1993), "The Limits to Informal Financial Intermediation", *World Development* 21 (5), pp. 721-731
  - 18- Christen, Robert P., and Douglas Pearce. (2005). *Managing Risks and Designing Products for Agricultural Microfinance: Features of an Emerging Model*. CGAP Occasional Paper, No. 11. Washington, D.C.: CGAP.
  - 19- Committee on Employment and Social policy.2002.*Microfinance for Employment Creation and Employment Development*, International Labour Office, Geneva.
  - 20- Eftekhar, h., J. Sakhavat, B. Quinones, S. Rutherford.2000. "Bangladesh: The pioneering country" in Remenyi, Joe and Benjamin Quinones *Microfinance and Poverty Alleviation, Case Studies from Asia and the Pacific*, Pinter, London.
  - 21- Ellis, Frank .(2002). *Rural Livelihoods and Diversity in Developing Countries*, Oxford University press
  - 22- European Commission (2003), *Microcredit for Small Businesses and Business Creation*, Report by European Commission, Enterprise Publication
  - 23- Freeman, H.A., Ehui, S. K. and Jabbar, M. A. (1998), "Credit constraints small holer dairy production in the East African highlands: Application of switching regression model", *Agricultural Economics*, 19(1-2): 33-34.
  - 24- Fukui,S.and Hara,R.(1993),An economic analysis of rural informal credit market with reciprocity in Philippines, *Journal of the Faculty of Agriculture Kyushu Univevsity*,38(1-2): 35-45.
  - 25- Johansen S. (1991). Estimation and hypothesis testing of Cointegration Vector Autoregressive Models, *Econometrica*, 59: 151-180
  - 26- Johnson S. and Ben Rogaly (2004), *Microfinance poverty Reduction*, Translated into Persian by Pirooz Izadi, Tehran, Ministry of Agriculture (in Persian)

- 27- Germidis, A. D. Kessler and R. Meghir (1991), *Financial Systems and Development: What Role for the Formal and Informal Financial Sectors?* Organization for Economic Cooperation and Development (OECD), Paris
- 28- Harris, R. I. D. (1995), *Using Cointegration Analysis in econometric Modeling*, UK Hall/ Harvester Wheatsheaf.
- 29- Hoff, K. A. Braverman and J. Stieglitz (eds), *The Economics of Rural Organization, Theory, Practice and Policy*, Oxford University Press.
- 30- Holden, H. and R. Perman (1994), *Unit Roots and Cointegration for the Applied Economics*, Macmillan Press, U K.
- 31- Hume, D., P. Mosley (1996) *Finance Against Poverty*, Volume 1 and 2, Routledge, London.
- 32- Johansen, S. (1991). Estimation and hypothesis testing of cointegration Vector Autoregressive Models, *Econometrica*, 59: 151-180
- 33- Khandker, S. R., Samad, H. A & ,Khan, Z. H(1998). December 1998. (Income and Employment Effects of Micro-credit Programmes: Village-level Evidence from Bangladesh *The Journal of Development Studies* pp.96-124.
- 34- Kochar, A. (1997), An empirical investigation of rationing constraints in rural credit market in India, *Journal of Development Economics* 53(2):339-341
- 35- Krahnert, J., and R. Schmidt, 1994, *Development Finance as Institution Building: A New Approach to Poverty-Oriented Banking*, Westview Press
- 36- Maddala, G.S. (1983). "limited dependent and qualitative variables in econometrics", Cambridge, Cambridge university
- 37- Mohieldin, M.S. and Wright, P.W. (2000), Formal credit market in Economic *Development and Cultural Change*, 48(3):57-67
- 38- Morduch, J. (1999). "The Microfinance Promise." *Journal of Economic Literature* 37: 1569-1614.
- 39- Najafi, B. (2003), The Experience of Microcredit in Iran's Traditional Agriculture, in Proceedings of the Conference on Microcredit, Rural Development and Poverty Alleviation, Tehran, Iran. (in Persian)
- 40- Najafi B. (2001), Microfinance, World Experience, and Possible Implication in
- 41- Iran, *Bank and Agriculture* Vol. 1 No. 1. (in Persian)
- 42- Reed, Larry R. and David Beffus (1994), "Transformation Lending: Helping Microenterprise Become Small Business", in Maria Otero and Elisabeth Rhyne (eds) *The New World of Microenterprise Finance* West Hartford, CT: Kumarian Press.
- 43- Robinson, M. (2001), *The Microfinance Revolution: Sustainable Finance for the Poor*, World Bank: Sustainable Banking with the Poor, Washington D.C.
- 44- Statistical Center of Iran (1999), Statistical Results of Qarzolhasanah Funds, Tehran, Iran, (in Persian)
- 45- Tripathi, R. and Sharma M (1994) "variation in productivity of short-term credit used for wheat production in different zones of Uttar Pradesh hills" *Indian journal of agricultural economics*, vol 49(3), 491-496

- 46- Schreiner, M. and Colombet, H. (2001), "*Microfinance, Regulation and uncollateralized loan to small producer Argentina*", www.Macrofinauce.com.
- 47- Sengupta, R. and Craig P. Aubuchon,(2008), The Microfinance Revolution, Federal Reserve Bank of St Louis Review, January/February 2008,
- 48- Suresh,K.A.(1991),Impact of cooperative credit on agricultural in, *Indian Cooperative Review*,29(1):7-12.
- 49- United Nations (2003), *Implementation of the first United Nations Decade for the Eradication of Poverty (1997-2006) and draft programme of action for the International Year of Microcredit*, 2005, 03- 43699(E) 260803.
- 50- Waterfield, C. A. Duval, 1996. *Care Saving and Credit Sourcebook*, Atlanta, Ga. Newyork
- 51- World Bank (2003), *Global Economic Prospects and the Developing Countries*.

**Received: Apr 22 2009**

**Accepted: Feb 10 2010**